

ماهنامه فرهنگی - قرآنی اسوه

مجتمع فرهنگی علمی شهدا

ربیع الثانی ۱۳۹۸-۱۴۴۱/سال ششم/شماره ۸۴/۱۲ صفحه

موسسه قرآن و عترت اسوه زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با شماره ثبت ۳۰۳۶۲ فعالیت می نماید.



شهدا، شاهد
بر این حقیقت عالمند و هم آنانند
که به دیگران بحیات می بخشد.



امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

نیکویی چهره؛ زیبایی ظاهری است و نیکویی خرد؛ زیبایی باطنی.

(الدرة الباهرة من الأصداف الطاهرة، جلد ۱، صفحه ۴۶)

امام رضا علیه السلام خطاب به عبدالعظیم حسنی علیه السلام فرمود: ای عبدالعظیم! از طرف من به دوستانم سلام برسان و به آنان بگو: شیطان را بر خویش مسلط مگردانید. آنان را به راستگویی در گفتار، ادای امانت، خاموشی و ترک جدال بی فایده، روی آوردن به یکدیگر و به دیدار هم رفتن فرمان بده، که آن باعث تقرب به من است. و اینکه خودشان را به پرده داری یکدیگر مشغول نسازند، که من به جان خود سوگند یاد کرده ام که هر کس چنین کند و یکی از دوستانم را خشمگین کند، از خدا بخواهم که او را در دنیا به شدیدترین عذاب کیفر دهد و در آخرت، از زیانکاران سازد و آنان را آگاه کن که خداوند، نیکوکارشان را بخشیده و از بدکارشان گذشت کرده است، مگر آنکه به او شرک ورزیده، یا یکی از دوستانم را آزرده، یا نسبت به او بدبین باشد، که خداوند او را تا وقتی که از این کار دست برندارد، نمی بخشد. پس اگر باز گردد که هیچ؛ وگرنه روح ایمان از جانش خارج گردد و از ولایت من بیرون رود و از ولایت ما بهره ای ندارد. من از چنین فرجامی به خدا پناه می برم.

محمد محمدی ری شهری، تبلیغ بر پایه قرآن و حدیث، صفحه ۱۲۰

دو جریان علمی و تحصیلی در کشور ما هست که یکی به جنبه های ارزشی می پردازد و در خدمت معارف، دین و اخلاق است و دیگری در جهت نیازهای عادی جامعه، صنعت و پیشرفت های تازه علمی است.

کشور، همان قدر

به علم و علمای

حوزه نیاز دارد

که به ضروریات اولیه

زندگی. حتی هنر و ادبیات،

بدون علم و توجه به پیشرفت های روز، زندگی انسان تلخ و سست خواهد بود.

علت این که امام بزرگوار بر وحدت حوزه و دانشگاه تأکید داشتند و ما نیز بر روی آن اصرار می کنیم به خاطر آثار و برکات آن است. این دو جریان علمی باید در کنار هم باشند، اگر حوزه باشد، دانشگاه نباشد، نتیجه آن گرفتاری ها، عقب ماندگی ایران و تسلط بیگانگان بر ما خواهد بود، که نه فقط مثل رژیم گذشته، ذخایر و پول ملت ما به جیب آنها خواهد رفت، بلکه معنویات را هم خواهند برد. و اگر دانشگاه باشد ولی حوزه علمیه خوب نداشته باشیم، بدتر از حالت قبلی است، چون علم در جهت خلاف ارزش های دینی، تبعیض، بی عفتی و خیانت به آرمان های ملی پیش خواهد رفت.

(۲۷ آذر ۱۳۷۳ در دیدار طلاب و دانشجویان)

حفظ کنید این وحدت خودتان را، اینها الان هجوم می آورند که از دستتان بگیرند این را. بخواهید کشورتان کشور مستقل و خودتان اشخاص آزاد باشید، این را تعقیب کنید. و شما دو قشر با هم ارتباط دائم داشته باشید. و برنامه ها را خود دانشگاهی ها و خود علمای حوزه ها برنامه ها را تنظیم کنند، که یک آموزش موافق با احتیاج مملکت داشته باشید، نه یک چیزهایی را بخوانند که اصلاً به درد ما نمی خورد.

صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۴۱

پرسش‌های قرآنی، پاسخ‌های شهید مرتضی مطهری

پرسش‌های قرآنی، پاسخ‌های شهید مرتضی مطهری
علت جهنمی شدن افراد، از زبان خودشان چیست؟

یک موضوع پرسش و پاسخی را قرآن در میان اصحاب یمین و اصحاب شمال در قیامت نقل می‌کند که وقتی اینها، آنها را در آن حال (جهنم و گرفتاری‌های آن) می‌بینند، می‌گویند: «ما سَلَكُكُمْ فِي سَقَرٍ» چه چیز شما را در این جایگاه قرار داد و آورد؟... (مدثر، ۴۲)

یک چیزی هست، عملی هست که انسان را به اینجا آورده و کشانده است. آنها جوابی می‌دهند که قرآن مخصوصاً آن جواب را نقل می‌کند، برای اینکه برای دیگران مایه تنبّه و بیداری باشد. چند مطلب را آنها می‌گویند: قَالُوا لِمَ نَكُ مِنَ الْمَصْلُومِينَ وَ لِمَ نَكُ نَطْعُمُ الْمَسْكِينِ وَ كُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ وَ كُنَّا نَكْذِبُ بَيُّومَ الدِّينِ (مدثر، آیات ۴۳ تا ۴۶)

می‌گویند چهار چیز ما را به اینجا آورد. اولین حرفی که می‌زنند این است که ما از نمازگزاران نبودیم. ما از نمازگزاران نبودیم، غیر از آن است که ما نماز نمی‌خواندیم. ممکن است انسان نماز بخواند، ولی در زمره نمازگزاران شمرده نشود. مضمون این جمله با مضمون آنچه در سوره مبارکه ماعون آمده است یکی می‌شود. در آنجا هم مقصود از «کسانی که قیامت را تکذیب می‌کنند» این نیست که منکر قیامت‌اند، بلکه کسانی که عملاً کارشان کار منکر قیامت است، ولو به لفظ می‌گویند قیامت را قبول داریم، به زبان می‌آورند، ولی عمل‌شان عمل قبول کننده قیامت نیست.

خیلی افراد نماز می‌خوانند. می‌فرماید وای به حال گروهی از نمازگزاران که از نماز خود غافلند. اینجا هم منحصر نیست به کسانی که نماز نمی‌خواندند، بلکه می‌گویند ما از نمازگزاران نبودیم. تیپ نمازگزاران تپیی است که حق نماز را ادا می‌کنند. نماز به گردن انسان حق دارد.

یکی از حقوق نماز، احترام نماز است که نقطه مقابلش می‌شود استخفاف نماز؛ یعنی سبک‌شمردن نماز. اینکه انسان نماز را سبک بشمارد، می‌خواند و سبک می‌شمارد و شکل امری که خیلی مهم نیست، تلقی می‌کند. این «مهم نیست»، انسان را که نمازخوان است، از زمره

نمازگزاران خارج می‌کند؛ یعنی به صورت آدمی درمی‌آید که همان نمازش در روز قیامت دشمن و خصم خواهد بود، چون دائماً نماز را تحقیر و استخفاف می‌کرده و به شأنش بی‌اعتنایی می‌کرده است.

کتاب «پرسش‌های قرآنی، پاسخ‌های مطهری»، حمید کمالی، ص ۲۳ تا ۲۵



من از حسینم

یعنی عامری برای رفتن به مهمانی از نزد رسول خدا ﷺ بیرون آمد. ناگاه چشمش به حسین ﷺ افتاد که با بچه‌ها بازی می‌کرد. در این هنگام پیامبر مردم را کنار زد و جلوتر از همه، دستانش را برای درآغوش گرفتن حسین از هم گشود. اما کودک این طرف و آن طرف می‌دوید و می‌گریخت. رسول خدا شروع به خنداندن حسین کرد و سرانجام خود را به او رساند و در برش گرفت. یک دست خود را زیر چانه و دست دیگر را پشت گردن او گذاشت و دهان خود را بر دهانش نهاد و او را بوسید. آنگاه فرمود: حسین از من است و من از حسینم. خدا دوستدار حسین را دوست می‌دارد. حسین، امتی از امت‌های نیک است.

منبع: کامل زیارات، ص ۵۲، باب ۱۴، ح ۱۲

توجه به امور معنوی

خدا کند که مادیات برای ما وسیله باشند، به گونه‌ای که وقتی امور دنیویه به ما اقبال کردند، سبب تأکید و اقبال ما به امور معنویه و آخرت گردند.

محمدتقی بهجت، جرعه وصال، ص ۵۳

چهارم ربیع‌الثانی: ولادت حضرت عبدالعظیم حسنی

دهم آذر: شهادت آیت‌الله حسن مدرس و روز مجلس

هشتم ربیع‌الثانی: ولادت امام حسن عسکری

دهم ربیع‌الثانی: وفات حضرت معصومه

بیستم آذر: شهادت آیت‌الله دستغیب

بیست و هفتم آذر: شهادت آیت‌الله دکتر مفتاح، روز وحدت حوزه و دانشگاه

چهارم دی: روز میلاد حضرت مسیح

روز شماری

سران قوا با پشتوانه کارشناسی تصمیمی گرفته‌اند، باید به آن عمل شود

رهبر معظم انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۶ آبان ۱۳۹۸ در ابتدای جلسه درس خارج فقه در پی حوادث رخ داده پس از افزایش قیمت بنزین، مطالبی بیان کردند، که مشروح بیانات ایشان به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحيم

در این یکی دو روز یک حادثی به دنبال مصوبه سران کشور، سران قوا اتفاق افتاد؛ دیروز، دیشب، پریشب، در برخی از شهرهای کشور، متأسفانه مشکلاتی درست شد، تعدادی جان باختند و مراکزی تخریب شد، از این کارها هم شد در این یکی دو روزه.

چند نکته را باید توجه داشت؛ اولاً وقتی یک چیزی مصوبه سران کشور هست، آدم باید با چشم خوش‌بینی به او نگاه کند، بنده در این قضیه سر رشته ندارم؛ یعنی تخصص این کار را ندارم، گفتم هم به آقایان؛ گفتم من چون نظرات کارشناس‌ها هم در این قضیه بنزین مختلف است، بعضی‌ها آن را لازم و واجب می‌دانند، بعضی‌ها مضر می‌دانند، بنابراین من هم که صاحب‌نظر نیستم در این قضایا؛ گفتم من صاحب‌نظر نیستم، لکن اگر سران سه قوه تصمیم بگیرند من حمایت می‌کنم. من این را گفتم، حمایت هم می‌کنم. سران قوا، نشستند با پشتوانه کارشناسی یک تصمیمی برای کشور گرفتند، باید عمل بشود به آن تصمیم؛ این یک نکته.

نکته دوم اینکه خب بله، یقیناً بعضی از مردم از این تصمیم یا نگران می‌شوند یا ناراحت می‌شوند یا به ضررشان است یا خیال می‌کنند به ضررشان است، به هر تقدیر ناراضی می‌شوند، لکن آتش‌زدن به فلان بانک این کار مردم نیست، این کار اشرار است؛ کار اشرار است، این را باید توجه داشت. در یک چنین حادثی معمولاً اشرار، کینه‌ورزان، انسان‌های ناباب وارد میدان می‌شوند، گاهی بعضی از جوان‌ها هم از روی هیجان با اینها همراهی می‌کنند و این جور مفساد را به بار می‌آورند. این مفساد هیچ مشکلی را درست نمی‌کند جز اینکه علاوه بر هر مشکلی که هست، ناامنی را هم اضافه می‌کند.



ناامنی بزرگ‌ترین مصیبت برای هر کشوری است، برای هر جامعه‌ای است، اینها قصدشان این است. شما ملاحظه کنید در این دو روز تقریباً یعنی دو شب و یک روزی که از این قضایا گذشته همه مراکز شرارت دنیا علیه ما این کارها را تشویق کردند، از خانواده منحوس خبیث خاندان پهلوی تا مجموعه خبیث و جنایتکار منافقین، اینها دارند مرتباً در فضای مجازی و در جاهای دیگر تشویق می‌کنند، ترغیب می‌کنند که این شرارت‌ها انجام بگیرد.

من عرضم این است هیچ‌کس به این اشرار کمک نکند، هیچ انسان عاقل و شایسته‌ای که به کشور خودش علاقه‌مند است، به زندگی راحت خودش علاقه‌مند است، به اینها نباید کمک بکند؛ اینها اشرارند، این کارها کار مردم معمولی نیست.

مسئولین هم البته دقت کنند، مواظبت کنند، هرچه ممکن است از مشکلات این کار کم کنند. حالا من دیروز دیدم در تلویزیون که بعضی از مسئولین محترم آمدند گفتند که ما مراقبیم که این افزایش قیمت موجب افزایش قیمت اجناس و کالاها نشود؛ خب بله این مهم است، چون الان گرانی هست، بنا باشد باز اضافه بشود، خب این برای مردم خیلی مشکلات درست می‌کند، باید مراقبت کنند. این مراقبت‌ها را اینها بکنند، مسئولین حفظ امنیت کشور هم به وظایف‌شان عمل کنند، مردم عزیز ما هم که خوشبختانه در قضایای گوناگون این کشور بصیرت خودشان را، آگاهی خودشان را نشان دادند بدانند که این حوادث تلخ از ناحیه کیست و چگونه است، این آتش‌زدن و خراب‌کردن و ویران‌کردن و دعواکردن و ناامنی ایجادکردن مال چه کسی است، این را بفهمند توجه کنند که می‌فهمند هم مردم ملتفت‌اند، و از اینها فاصله بگیرند. این آن توصیه ما است، مسئولین کشور هم به وظایف‌شان به طور جدی عمل کنند.

بالاخره وقتی یک تصمیمی گرفته شد از ناحیه سران سه قوه، بحث دولت نیست، بحث یک وزارتخانه نیست، سران سه قوه کشور نشستند یک تصمیمی گرفتند؛ به یک پشتوانه کارشناسی هم متکی است. گفتم من صاحب‌نظر نیستم در این قضیه؛ لکن به عنوان یک آدمی که می‌بیند مسئولین کشور تصمیم گرفتند. زمان امام (رضوان‌الله‌علیه) هم همین جور بود، یک کارهایی را مسئولین، سران سه قوه تصمیم می‌گرفتند و اجرا می‌شد، حالا هم همین جور است. امیدواریم ان‌شاءالله به کمک مردم، به هم‌فکری و هم‌افزایی مسئولین و دلسوزی و پیگیری آنها و لطف الهی ان‌شاءالله این کار به بهترین وجهی پیش برود.

تربیت در محیط خانوادگی

ادب؛ ارثی جاودانه برای فرزندان

قسمت چهارم
آیت الله مجتبی تهرانی



کن! به این می گویند نماز. بابا جان نماز می خوانم، نگاه کن! کم کم این عمل تو را یاد می گیرد. در این سنین سریع یاد می گیرد و گیرنده اش بسیار قوی، سریع و عمیق است و فوراً به حافظه می برد. حافظه هم اتاق بایگانی است. آن را در اتاق بایگانی اش نگاه می دارد. قشنگ عکسبرداری می کند، فیلم می گیرد.

تأکید و تکرار با روش های صحیح در تربیت مؤثر است
این عمل را که آموزش دادی، باز هم رهایش نکن، دوباره بیا سراغ اقدامات گفتاری. یک روایت از علی (ع) است که فرمود: «أَدَّبَ صِغَارَ أَهْلِ بَيْتِكَ بِلِسَانِكَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالطَّهْوَرِ» کودکان خانواده ات را با زبانت به نماز و وضو تربیت کن. گر می خواهی در بُعد معنوی او این روح را بسازی، بدان که با تکرار ملکه می شود. تربیت خیلی ظرافت دارد. برخلاف آنچه همه می گویند این مباحث خیلی مشکل نیست، ولی به نظر من از نظر مباحث علمی ظرافت دارد و ظرافتش این است که در این سنین که داری عملاً به او آموزش می دهی، و بعد هم لفظاً روی آن تأکید می کنی، مواظب باش یک وقت روشی غیر الهی و غیر انسانی به کار نگیری. نعوذ بالله با خشونت رفتار نکنی! وگرنه بَری می شود از هر چه دین است. اگر به این نحو باشد، کشف از جهالت تو است.

تفاوت میان اصل تربیت و روش تربیت
یک بحث دیگری هم هست که من فقط تذکر می دهم و آن اینکه روش در تربیت، جدای از اصل تربیت است. او را باید تربیت کنی، ولی نه با الفاظ خشن و امثال اینها. بلکه باید او را به شوق بیاوری، که اینها روش تربیتی است. باید میان اصل تربیت و روش تربیت، جداسازی بکنیم. ما یک آیه داریم از آیات شریفه قرآن که اصل مسئله آموزش و تربیت را، چه نسبت به خود، چه نسبت به کسانی که جزو خاندان محسوب می شوند، مطرح می کند و به طور کلی به ما که مؤمن هستیم و اعتقاد به مبدأ و معاد داریم، خطاب می کند که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» ای کسانی که ایمان آوردید، جان های خودتان و خاندان تان را

تأثیر اعمال دیداری در تربیت فرزند

از آنجایی که در مقابل کارهای گفتاری و شنیداری، کرداری و رفتاری است؛ ما به اعمال و اقدامات بصری (دیداری) می پردازیم.

راجع به اقدامات دیداری، در روایات اشاره شده به اینکه وقتی کودک، شش سالش تمام شد و می خواهد وارد هفت سال بشود، اینجا مقتضی آموختن را دارد. قبل از هفت سالگی بحث گفتار بود، اینجا بحث اعمال است. در یک روایت پیغمبر اکرم فرمودند: «عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ الصَّلَاةَ إِذَا بَلَغُوا سَبْعًا» فرزندان را آنگاه که به هفت سالگی وارد می شوند نماز بیاموزید.

شش سال او که تمام می شود و وارد هفت سال می شود، جنبه دیداری و رفتاری دارد. به پدر و مادر می گوید: بایست و نماز را بخوان و به او این عمل را بیاموز! بحث آموزش رفتاری است نه گفتاری.

می فرماید بعد از آموزش عملی رهایش نکن، بیا سراغ آموزش گفتاری. ایستادی نماز خواندی، به او بگو: بابا جان! مرا نگاه

امام باقر (ع) فرمود:

برای زنی شفیعی مؤثرتر از رضایت همسرش نیست. وقتی که حضرت فاطمه (ع) در گذشت، امیرالمؤمنین (ع) بر سر تربت او گفت: «خدایا! من از دختر پیامبرت راضی هستم.» نیکی و اطاعت از شوهر و برخورد شایسته با او به قدری مهم است که در روایات، جهاد زن قلمداد شده است.

پادشاه جلیب
رضایت شوهر

منبع: مفاتیح الحیات، آیت الله جوادی آملی، ص ۲۶۳

از آتش جهنم حفظ کنید. این یک فرمان کلی است.

خودت را از آتش نجات می‌دهی، هم او را. چون داری آموزش عملی می‌دهی.

راه‌های نجات خود و خانواده از آتش

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که حضرت فرمود: «لَمَّا نَزَلَتْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا قَالَ النَّاسُ كَيْفَ نَقِي أَنْفُسَنَا وَأَهْلِيْنَا» وقتی این آیه نازل شد، مردم گفتند: چگونه ما خودمان و خانواده‌مان را از آتش جهنم حفظ کنیم؟ پیغمبر اکرم جواب دادند: «إِعْمَلُوا الْخَيْرَ وَ ذَكِّرُوا بِهِ أَهْلِيَكُمْ وَ أَدَّبُوهُمْ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ» کارهای خیر انجام دهید و خانواده‌های‌تان را به آن یادآور شوید و آنها را بر بندگی خدا ادب نمایید. من فهرست‌وار توضیح می‌دهم که پیامبر اکرم چه می‌فرمایند:

عمل خیر اول به راه کرداری و رفتاری اشاره می‌فرماید: «إِعْمَلُوا الْخَيْرَ» شما کردار و رفتارتان را، یک رفتاری بکنید که خوب و پسندیده باشد. خود این عمل در خانواده، یک تیر و دو نشان است؛ در بعد الهی و انسانی خودت را از آتش نجات می‌دهی؛ مثلاً نماز می‌خوانی، کمک به مستمندان می‌کنی و... با این کار، هم خودت را از آتش نجات می‌دهی، هم خانواده‌ات را. چون داری آنها را آموزش می‌دهی و وظیفه تو هم آموزش دادن بوده است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا به همه مؤمنین خطاب می‌کند که هم خودت را باید از آتش نجات بدهی، هم خانواده‌ات را؛ یعنی نجات آنها با دست تو است. بعد سؤال می‌کنند آقا! چگونه این کار را انجام دهیم؟ می‌فرماید:

کار خیر بکنید! آیا با کار خیر من او از آتش نجات پیدا می‌کند؟ بله! ببینید چگونه پیغمبر مسئله را روشن می‌فرماید. وظیفه‌ات این بوده است که کار خیر کنی. با این کار هم خودت نجات پیدا می‌کنی، هم او را عملاً تأدیب می‌کنی و به او می‌آموزی. این که تعبیر کردم یک تیر و دو نشان است؛ هم

یادآوری و تذکر

بعد می‌فرماید: «وَذَكِّرُوا بِهِ أَهْلِيكُمْ» یادآور شو به خانواده‌ات! یعنی وقتی کار خیر کردی و او هم یاد گرفت، بعد به آنها یادآوری کن. خودت که عمل را ادامه می‌دهی، به آنها هم یادآوری بکن که نکنند آنها ترک کنند. تا شاکله و ملکه برای آنها بشود و شاکله وجودی آنها را تشکیل دهد.

کار خیر را با دست کودک انجام دهید

«وَذَكِّرُوا بِهِ (أَيُّ بِالْخَيْرِ) أَهْلِيكُمْ.» یادآورشان کن به کارهای خیر. ما در باب اعمال نیک داریم که خیر، به طور عملی و لفظی باید کنار هم باشد. نسبت به تربیت کسانی که تحت تربیت انسان قرار می‌گیرند مثل فرزند انسان، باید با هم باشد تا خوب تأثیر بگذارد. در یک روایتی از امام رضا (علیه السلام) آمده که حضرت فرمود: «مُرَّ الصَّبِيَّ

فَلْيَتَصَدَّقْ بِيَدِهِ بِالْكَسْرَةِ وَالْقَبْضَةِ وَالشَّيْءِ وَ إِنْ قَلَّ» کودک را امر کن تا با دست خود صدقه بدهد، اگرچه کم باشد. به صورت گفتاری به او امر کن این کار را بکند! حال که می‌خواهی دستگیری از مستمند کنی و صدقه بدهی با دست او بده! پول را بده به او بگو: تو بده! صدقه را تو می‌دهی؛ اما به دست او بده!

ببینید چقدر زیبا می‌آید مطلب را بیان می‌فرماید: «فَلْيَتَصَدَّقْ بِيَدِهِ» با دست بچه‌ات می‌خواهی در راه خدا انفاق کنی، دستگیری از مستمندان بکنی، هم به او امر کن، هم با دست او این کار را بکن! یعنی هم گفتاری، هم کرداری؛ هر دو با هم.

ادامه دارد...

روش برخورد با دنیا

ای مردم! دنیا آرزومندان و خواهان خود را فریب می‌دهد، برای شیفتگان خود ارزشی قائل نیست و آن کس را که بر دنیا پیروز شود مغلوب گرداند. به خدا سوگند! هرگز ملتی از ناز و نعمت زندگی گرفته نشدند، مگر به کيفر گناہانی که انجام داده‌اند؛ زیرا خداوند بر بندگان خود ستم روا نمی‌دارد.

اگر مردم به هنگام نزول بلاها و گرفته شدن نعمت‌ها، با درستی نیت در پیشگاه خدا زاری کنند و با قلب‌های پر از محبت از خداوند درخواست عفو نمایند، آنچه از دست‌شان رفته، باز خواهد گشت و هرگونه فسادی اصلاح خواهد شد. من بر شما ترسانم که در جهالت و غرور فرو رفته باشید، چه اینکه در گذشته به سویی کشیده شدید که قابل ستایش نبود؛ اما اگر در زندگانی خود اصلاحاتی پدید آورید، سعادت‌مند خواهید شد.

وظیفه من جز تلاش و کوشش در اصلاح امور شما نیست، اگر می‌خواستم بی‌مهری‌های شما را بازگو می‌کردم. خدا آنچه را گذشت ببخشاید.

خطبه ۱۷۸

رهاورد

بیانات مقام معظم رهبری در هفته دفاع مقدس، ۴ مهر ۱۳۹۷

در روایت دفاع مقدس باید روح و عظمت پیام این دفاع خودش را نشان بدهد. این دفاع مقدس در مجموع، یک روح واحد و یک زبان واحد و یک پیام واحدی دارد؛ این باید منعکس بشود؛ آن پیام و روح، روح ایمان است، روح ایثار است، روح دلدادگی است، روح مجاهدت است، پیام شکست‌ناپذیری ملت است که نوجوان‌هایش هم مثل جوانها و مثل مردهای میان‌سال و مثل پیرمردها با شوق و ذوق می‌روند داخل میدان و می‌جنگند؛ این خیلی مهم است. در همان وقتی که جوانهای معمول دنیای مادی، هیجانهای خودشان را به یک شکل‌های دیگری فرومی‌نشانند، جوان شانزده هفده ساله‌ی ما می‌رود در میدان جنگ، این هیجان جوانی را با جهاد در راه خدا اشباع میکند و تأمین میکند؛ اینها خیلی مهم است، اینها خیلی ارزش است.

مرد آسمان خلبان علیرضا یاسینی

لیلی زهدی

قصه پردلی شیرمردان این سرزمین کهن قصه تازه‌ای نیست؛ حکایت عشق‌بازی‌شان هم...
علیرضای یاسینی این چرخ کبود عاشق بود.
عاشق پرواز... عاشق پرواز در کهکشان. اما نه... عشق به پرواز در آسمان برای او فقط یک بهانه بود.
او عاشق پرواز بود تا بر دوست... او تشنه وصال بود، تشنه دیدار یار.



خیلی وقت بود که غزل خداحافظی با زمین خوانده بودی و همه ذکر و فکرت آسمان شده بود. تو بند زمین نشدی. اصلاً تو متعلق به زمین نبود. تو، نظر کرده بودی به «وجه‌الله» و همه خواسته‌ات «فَنای فی‌الله» بود و چه نیک پلکان زمین تا آسمان را یکی‌یکی در اندیشه وصال، به وجد پیمودی. نصرت و عزت میهن را خواستی، خودت در نظر همگان عزیز شدی؛ «ان تنصروا الله ینصرکم».

مرد آسمان! تو روی زمین هم مشق پرواز می‌کردی؛ همان وقت که مردانگی و مراحت جلوه می‌کرد به عشق و پروازهای برون‌مرزی دوستان خلبانان را که از پرواز هراس داشتند تو به جای‌شان می‌رفتی و خطر را به جان می‌خردی. همان وقت که منافع کشور را به دوری از دلبندانت؛ بهزاد، مهدی و زهرای دردانه‌ات ترجیح می‌دادی و خودت را از لذت در کنارشان بودن با نبودن محروم می‌کردی. همان وقت که بهشت کوچکی را که با همدم و همقدم روزهای عاشقی‌ات ساخته بودی رها می‌کردی و خط‌شکن عملیات‌های غرورآفرین می‌شدی و مرد و مردانه بی‌هیچ هراسی به دل دشمن می‌زدی.

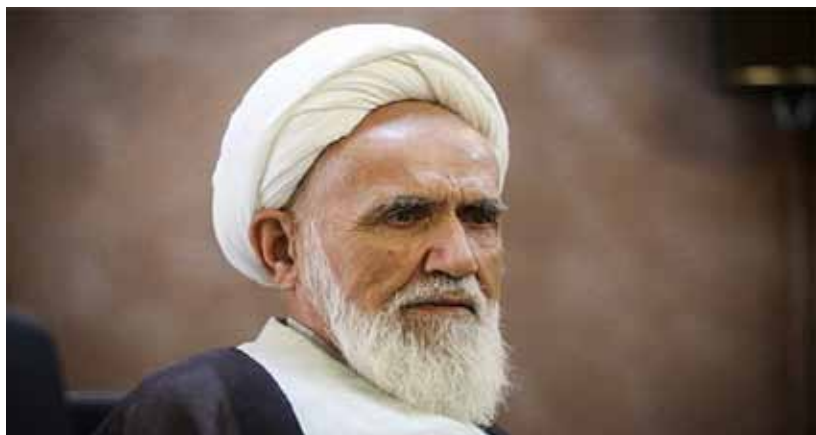
روایت تو روایت اوج است، روایت بی‌پروایی یک مرد... روایت عروج تا ملکوتیان. روایت هبوط نفس و صعود جان به جانان. دست خوش مرد...! شوریده‌حالی‌ات برای رسیدن به محبوب دیدنی بود و قصه عشق‌بازی‌ات با او شنیدنی... راستی، بگو چند بار سفره دلت را آن بالا وسط آسمان برای محبوب گشوده بودی و از درد هجر برایش گفته بودی؟ چند بار گله کرده بودی از عقب ماندن از قافله رفقا؟ بین تو و محبوب چه گذشته بود که در هوای کویش همان‌جا در آسمان اقامت کردی برای همیشه. چه شد که زمزمه مفارقت با زمین و مجالست با محبوب خواب و خوراک و همه دیدنی‌های این دامگه بلا را از تو گرفت. حُسن نیت کارگر افتاد، یا حُسن عمل؟! خط‌شکن! همسر همیشه همراه و فرزندان قدرشناس هنوز با خیال تو ایام سپری می‌کنند و یاد و خاطرات بعد از این همه سالدوری ذره‌ای در یادشان کم‌رنگ نشده، برای‌شان دعا کن، برای‌مان دعا کن...

خاطرات سبز

که در عمل این را نشان داد. این موضوع گذشت تا بعد از شهادت پدرم که من کلاس پنجم دبستان بودم، یکی از هم‌زمان او به نام آقای روح‌الدین ابوطالبی همان کارهایی که پدر برای پسر شهید دوران انجام داد؛ همان توجه‌ها و محبت‌ها را در حق من کرد. هر وقت به مسافرت و گردش می‌رفتند مرا هم به همراه پسرشان با خود می‌بردند. این‌ها همه برای من درس شد و فهمیدم؛ از هر دستی بدهی از همان دست هم می‌گیری.

* پدرم توجه خاصی به خانواده شهدا داشت. سال ۷۰، ۷۱ بود، آن موقع شیراز زندگی می‌کردیم. یک شب وقتی بابا به خانه آمد همسر و فرزند شهید عباس دوران هم همراهش بودند. آن شب پدرم خیلی به پسر شهید دوران محبت کرد، او را صندلی جلوی ماشین نشاند و بود و با هم به گردش رفته بودند، آن شب من چون سنم خیلی کم بود و از طرفی علاقه عجیبی به پدرم داشتم، خیلی به پسر شهید دوران غبطه خوردم. پدرم به خانواده شهدا احترام می‌گذاشت. نه فقط به زبان

در زندان بودم که شنیدم مرحوم مادرم کسالتی دارد. به من اجازه دادند که از زندان با مادرم تلفنی صحبت کنم. در آن حال از خدا خواستم که بر زبانم مطالبی جاری کند که کید آنها را خنثی کند. بعد از یک سلام و احوالپرسی عادی، به مادرم گفتم: «مادر اگر شما خواستی با قیچی چادرت را دو نیم کنی، کسی می‌تواند به تو بگوید چرا؟» مادرم گفت: «برای چه این سؤال را می‌کنی؟» گفتم: «گفتم شما جواب مرا بدهید!»



گفت: «نه، این چادر مال من است و به کسی مربوط نمی‌شود.»

گفتم: «مادر، من مال کی هستم؟»

گفت: «مال خدایی!»

گفتم: «شما اختیار مال خودت را داری، ولی خدا اختیار مال خودش را نداشته باشد؟!»

گفت: «من که چیزی نگفتم. هرچه خدا بگوید من حرفی ندارم. تو به وظیفه خودت عمل کن.»

ما باید حداقل به اندازه ملک خودمان برای خدا حق قائل باشیم. این را نه خطاب به شما خانواده‌های شهدا می‌گویم، بلکه به شما می‌گویم که به دیگران بگویید. آنهایی که می‌آیند و چیزی می‌گویند، محکم بگویید: ما خدا را مالک خود و اینها را ملک او می‌دانیم. اگر اینها ملک اوست و تنها امانتی در دست ماست، ما باید ملک را به مالک برگردانیم. باید انسان خودش را وقف خدا و راه خدا بکند.

وقتی انسان وقف راه خدا شد، موقوفه خداست و خدا اگر خواست یکباره مصرف می‌کند و اگر خواست به تدریج مصرف می‌کند؛ مثل آنکه شما اعتباری را در اختیار کسی قرار دهید، اگر دلش خواست حواله می‌فرستد و یکجا می‌گیرد و اگر دلش خواست به تدریج حواله می‌کند.

شهیدان ما خودشان را در اختیار خدا گذاشتند و خداوند یکجا حواله کرد؛ دیگران که هنوز شهید نشده و خود را در اختیار او گذاشته و وقف او کرده‌اند، خداوند صلاح را در این دیده که اینها را به اقساط مصرف کند!

حکومت جهانی خدا، آیت‌الله حائری شیرازی، صص ۳۲ و ۳۳

ایستگاه مقدس (خبر)

آیت‌الله نوری همدانی: ۴۰ سال است دشمن به دنبال براندازی است

آیت‌الله حسین نوری همدانی در گردهمایی اعضای انجمن تبلیغ و ارتباطات حوزه اظهار داشت: مسلمین باید از لحاظ جهاد و علم و عزت قوی و مقتدر باشند تا عظمت اسلام در کل دنیا نمایان شود؛ امروز تمامی نقشه دشمنان در نتیجه نداشتن فرهنگ و عدم درک آنان از اسلام است؛ بنابراین بیش از ۴۰ سال است دنبال براندازی بودند و در جریان اخیر هم خیلی سرمایه‌گذاری مالی و انسانی کردند. این استاد حوزه علمیه افزود: اسرائیل، اروپا و آمریکا و کسانی که هشت سال در جنگ تحمیلی، بمب‌هایشان بر سر ملت ایران می‌ریخت امروز دل‌شان به حال مردم ایران سوخته است! و از حقوق بشر می‌گویند! اینها با کمک منافقان و سلطنت‌طلبان خواستند جریانی ایجاد کنند تا کار تمام شود، ولی درک نمی‌کنند که اسلام در عمق وجود مردم نفوذ دارد و مردم از اسلام حمایت می‌کنند.

این مرجع تقلید تصریح کرد: نقشه‌های دشمن نقش بر آب شده و با صبر و آگاهی مردم نقش بر آب خواهد شد.

آیت‌الله نوری همدانی با بیان اینکه فقها کسانی هستند که خدا به آنان لطف و عنایت دارد و او خودش را در برابر مردم مهیا کرده تا پاسخگوی آنان بوده و از اسلام دفاع کند بیان کرد: حوزه‌ها باید در تربیت قضات، مراجع و علمای آگاه تلاش واسعی داشته باشند.

این مرجع تقلید با بیان اینکه دشمنان چقدر نقشه کشیدند و به نتیجه نرسیدند افزود: دشمنان تصور داشتند آشوب در کشور برپا کرده و مردم را به خیابان خواهند کشاند ولی نقشه آنان بر آب شد؛ کسانی که خودشان ظلم و جنایت می‌کنند دم از حقوق بشر می‌زنند.

آیت‌الله نوری همدانی با بیان اینکه دشمنان مشت‌شان باز شده و هزینه‌های زیاد کردند و به نتیجه نرسیدند اظهار کرد: اگر دشمن باز هم نقشه بکشد ذلیلانه در آن شکست خواهد خورد.

■ درمان با گیاهان

درمان ناراحتی‌های تنفسی، مجاری ادراری و سیستم اعصاب مرکزی

مقدار ۱۵ گرم دانه کتان معمولی را در ۲۵۰ سانتی‌متر مکعب آب بدون املاح به آرامی به مدت ۱۵ دقیقه بجوشانید، سپس سرد نموده و صاف کنید و در ظرف مناسبی بریزید. این معجون برای برطرف نمودن سرفه و تحریکات و سوزش مجاری تنفسی و همچنین برای از بین بردن عفونت‌های دستگاه مجاری ادراری بسیار مناسب است.

همچنین اگر مقدار ۱۰ گرم از گل‌های تازه کتان معمولی (گل‌های آبی آسمانی) که معمولاً فقط صبح‌ها باز می‌شود را جمع‌آوری نموده و با مقدار ۲۵۰ سانتی‌متر مکعب آب جوش در یک ظرف مناسب به مدت بیست دقیقه روی بخار آب دم نمایید و سپس به مقدار ۷۰ گرم عسل طبیعی به این دم‌کرده اضافه کرده و خوب مخلوط کنید، شربت حاصل به مقدار یک قاشق مرباخوری روزی سه بار مصرف شود، برای درمان نارسایی‌های گوارش و سیستم اعصاب مرکزی مفید است.

کاربرد دانه کتان جهت تهیه ضماد

مقدار ۲۵ گرم دانه کتان کوبیده شده را در نیم لیتر آب سرد بدون املاح حل نموده تا به حالت نسبتاً خمیری شکل درآید و سپس آن را به آرامی حرارت داده و لایه نازکی از پارچه کتانی را به داخل این خمیر وارد نمایید. در این حالت این پارچه کتانی تقریباً مانند گچی معمولی درمی‌آید و موقعی که این لایه پارچه‌ای نسبتاً گرم است، آن را بر روی پوست محل ورم یا آبرسه یا زخم قرار دهید. این ضماد دانه کتان، خاصیت بازکننده آبرسه‌های چرکی را داشته و کشیدگی عضو را در محل دردناک زخم‌ها از بین می‌برد. این مرهم همچنین جهت برطرف نمودن علائم سوختگی‌های سطحی پوستی و جوش‌ها کاربرد زیادی دارد. این ضماد با مرهم برای تسکین درد و التهاب پلور (ذات‌الجنب) بسیار مفید است.

بایستی توجه نمود که ضماد دانه کتان را همیشه به حالت تازه به کار ببرید، در غیر این صورت ممکن است اثر مفیدی نداشته باشد و گاهی ناراحتی‌های پوستی را سبب شود.

درمان بیماری‌ها با گیاه کتان، دکتر عبدالله پورعبدالله، صفحات ۵۹ و ۶۰

■ درمان با نوشیدنی‌ها

نوشیدنی‌ها را به دو گروه عمده تقسیم می‌کنند؛ نوشیدنی‌های سرد و نوشیدنی‌های گرم. هر نوع نوشیدنی جایگاه خاص خود را دارد و اگر به موقع استفاده شود، نتیجه جالبی در برخواهد داشت. نوشیدنی‌ها علاوه بر اینکه نیازمندی‌های بدن را تأمین می‌کنند، بسیاری از ناراحتی‌ها و کسالت‌ها را نیز برطرف می‌سازند. در این ستون، نوشیدنی‌هایی که برای شما خواننده گرامی مفید است را معرفی کنیم. امید است با استفاده از این نوشیدنی‌ها، همواره از سلامتی و نشاط کامل برخوردار شوید.

شیر گردو

مواد لازم: مغز گردوی سالم خام ۵۰ گرم، عسل سه قاشق غذاخوری، آب سرد ۳ لیوان
طرز تهیه: پوست گردوها را جدا کنید و آنها را به همراه آب سرد و عسل در مخلوط‌کن به طور کامل مخلوط کنید تا مخلوط کاملاً به صورت شیر درآید.
خواص: این نوشیدنی آرام‌بخش بوده، در رفع مشکل بی‌خوابی مؤثر است. برای این منظور، قبل از خواب یک لیوان از آن را به آرامی و جرعه جرعه طوری میل کنید که نوشیدن آن ۱۰ دقیقه به طول انجامد.
تذکر: افراد مبتلا به بیماری صرع از استفاده از این شیر خودداری کنند.

شربت زرشک

مواد لازم: زرشک آبگیری ۵۰ گرم، عسل به مقدار لازم
طرز تهیه: ابتدا زرشک را تمیز کنید، با آب سرد بشویید و سپس در ظرف پیرکس قرار دهید و چهار تا پنج برابر وزنش به آن آب اضافه کنید و برای چند دقیقه بجوشانید. پس از خنک شدن، زرشک‌ها را بمالید تا هسته آنها جدا شود و مدت ۲۴ ساعت کنار بگذارید تا رنگ خود را به آب دهد. سپس مخلوط را صاف کنید و درون بطری بریزید و در یخچال نگهداری کنید. در هنگام مصرف آن را با عسل مخلوط کرده میل کنید.
خواص: این شربت برای افرادی که صفراوی مزاج هستند بسیار مفید است.

تغذیه در طب ایرانی اسلامی

دکتر غلامرضا کردافشاری و...، صفحات ۱۸۲، ۱۸۳ و ۱۸۶

عنه ﷺ: لَا تُنْكَحُ الْمَرْأَةَ لِإَرْبَعَةٍ: لِمَالِهَا، وَجَمَالِهَا، وَنَسَبِهَا، وَلَذَّتِهَا. فَعَلَيْكَ بِذَاتِ الدِّينِ .
پیامبر خدا ﷺ فرمود: به خاطر چهار چیز نباید با زن ازدواج کرد: ثروتش، زیبایی‌اش، حسب و نسبش، و لذتش.
پس بر تو باد (ازدواج با) زن متدین !

تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، محمد محمدی ری شهری، صفحه ۷۶

پنج نکته الگویی از سیره حضرت فاطمه معصومه سلام علیها

این امر نشانگر شجاعت و جرئت این شیرزن است. با وجود خفقان حاکم در زمان هارون، که نقل احادیث ممنوع بود، ایشان در همه حال از اسلام واقعی دفاع کردند و تا آنجا که توانستند پیام ولایت را به گوش مسلمانان رساندند. این درسی برای دختران ماست که همیشه و همه حال در فکر احیاء اسلام باشند.

۴- حجاب و عفاف

حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها در تمام زندگانی خود مظهر یک بانوی مسلمان به تمام معنا بود. رفتار و کردار او حتی تا واپسین روزهای عمر مبارکشان یادآور حجب و حیا و عفت مادران مؤمنین و فاطمه زهرا سلام علیهما بود. شخصیت ایشان نه تنها در زمان حیات‌شان برای زنان و دختران روزگار خود الگو و اسوه‌ای بود، بلکه پس از گذشت قرن‌ها نیز برای دختران و زنان امروز هم الگویی مناسب هستند و رفتار و کردارشان نمونه‌ای والا است از درس‌های معرفتی و رفتاری یک زن مسلمان.

۵- عبودیت خداوند

درس دیگری که دختران مامی توانند از این بانوی ارجمند بگیرند این است که ایشان خود با تلاش و پشتکار خویش به درجات بالایی معنوی دست یافته‌اند، چرا که امام کاظم علیه السلام دختران دیگری هم داشت، ولی هیچ کدام‌شان به چنین درجه‌ای از کمال و معنویت نرسیدند. از گذر همین عبودیت خداوند و شب‌زنده‌داری‌ها و اقامه نماز و کمک به نیازمندان و گرفتن بود که متخلص به القاب چون «معصومه» و «کریمه اهل بیت» شدند.

کوتاه سخن آنکه خصوصیتی همچون تابع خانواده بودن، علم و دانش بسیار، شجاعت و دلیری، حجب و حیا، عبودیت خداوند و صدها خصوصیت دیگر، ما را به سمت الگوپذیری از این بانوی یگانه می‌کشاند. به امید آنکه بتوانیم از ادامه‌دهندگان راهشان باشیم. سایت

به مناسبت وفات حضرت معصومه سلام الله علیها و برای الگوگیری از زندگی پربرکت ایشان، پنج نکته الگویی را که در ایشان وجود داشته است، بررسی می‌کنیم:

۱- علاقه و تبعیت از خانواده

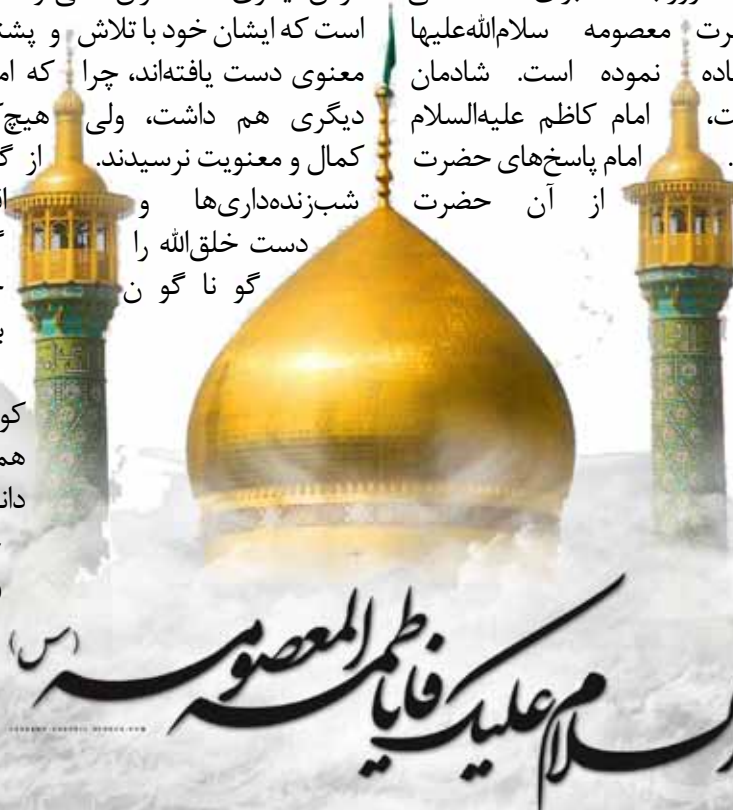
از صفات پسندیده و نیکوی این بانوی عظیم‌الشأن، علاقه و دوستی زایدالوصفی است که ایشان نسبت به خانواده، پدر و مادر و به خصوص به برادر محبوب‌شان امام رضا علیه السلام داشتند. ایشان ده ساله بودند که پدر بزرگوارشان در زندان هارون الرشید به شهادت رسید و از آن به بعد در آغوش پرمهر امامت و ولایت تربیت یافتند.

۲- یک دانشمند واقعی

از مشخصات بارز این الگوی به تمام معنا، علم و دانش ایشان بود. در تاریخ برای اثبات این موضوع روایات متعددی آمده است: زمانی جمعی از شیعیان برای دریافت پرسش‌های خود به مدینه وارد شدند تا به محضر امام موسی کاظم علیه السلام برسند. وقتی به منزل آن حضرت رسیدند، باخبر شدند که آن بزرگوار در مسافرت هستند. ناگزیر سؤالات را نوشتند و به خانواده امام سپردند تا در سفر بعدی پاسخ‌ها را دریافت کنند. چند روز بعد که برای خداحافظی به در خانه امام آمدند، دیدند حضرت معصومه سلام الله علیها پاسخ سؤالات را نوشته و آماده نموده است. شادمان جواب‌ها را گرفتند. هنگام مراجعت، امام کاظم علیه السلام را دیدند و ماجرا را تعریف کردند. امام پاسخ‌های حضرت معصومه را خواندند و به تمجید از آن حضرت فرمودند: پدرش به فدایش باد.

۳- شجاعت در دفاع از اسلام

حضرت معصومه سلام الله علیها محدثه و امینی برای پدرشان محسوب می‌شدند. احادیثی از قول ایشان به ما رسیده است از جمله: حدیث منزلت، حدیثی که قسمتی از معراج پیامبر را بیان می‌کند. حدیثی در حالات تولد امام حسین علیه السلام و احادیث دیگری که همه در وصف بزرگان اسلام است.



مراحل امر به معروف و نهی از منکر

ای مؤمنان! هر کس تجاوزی را بنگرد و شاهد دعوت به منکری باشد و در دل آن را انکار کند خود را از آلودگی سالم داشته است و هر کس با زبان آن را انکار کند، پاداش داده خواهد شد و از اولی برتر است و آن کس که با شمشیر به انکار برخیزد تا کلام خدا بلند و گفتار ستمگران پست گردد، او راه رستگاری را یافته و نور یقین در دلش تابیده.

حکمت ۳۷۳

رابطه خودشناسی و تعقل و تفکر صحیح

تا وقتی به شناخت خود حقیقی و نیازهای حقیقی آن آگاه نشده‌ایم، نباید توقع داشته باشیم که از سردرگمی و اشتباهات عمر تلف کن و آسیب به خود و دیگران دور شویم. جالب اینجاست که بشر این همه اشتباه و سردرگمی را با وجود عشق عمیق و بی‌نهایت به خود و تلاش پیگیر و طاقت‌فرسا، برای سعادت خود و دیگران مرتکب شده و می‌شود! او هرچه بیشتر فکر و استعداد و اطلاعات خود را برای رسیدن به خوشبختی و آرامش به کار می‌گیرد، بیشتر به خود و دیگران آسیب می‌زند، زیرا برای خدمت به کسی تلاش می‌کند که درک درستی از آن ندارد و فکر کردن درباره موجودی که فهم و شناخت صحیحی از آن وجود ندارد، نتیجه‌ای جز سردرگمی و اشتباه نخواهد داشت. بدون شناخت صحیح از خود، تفکر و تعقل صحیح و برنامه‌ریزی درباره خود ممکن نیست.

به همین دلیل است که حضرت رضا علیه‌السلام می‌فرماید: بالاترین عقل خودشناسی انسان است.

انسان با شناخت سایر موجودات به درک، تفکر و تعقل صحیحی درباره آنها رسیده است، ولی چون هنوز از خود بیگانه است و درک کامل و صحیحی از خود ندارد، با وجود عشق به خود و قصد خدمت به خود، تفکر و تعقل او از نتایج نادرست و راه‌های غلطی سر درآورده است. به فرمایش امیرالمؤمنین علیه‌السلام هر کس خود را شناخت خرد ورزیده و هر کس خود را نشناخت گمراه شد. هرچه خودشناسی ضعیف‌تر باشد، عقل نیز در کمک به انسان ناتوان‌تر است.

وقتی خود شناخته نشد فرقی بین دانشمند و عامی در شکست و گمراهی وجود ندارد.

بدیهی است نجات «خود» زمانی ممکن است که «خود» شناخته شده باشد. بدون شناخت یک موجود، راهنمایی و نجات او ممکن نخواهد بود.

محمد شجاعی، ضرورت خودشناسی و مطالعات انسانی، صص ۳۰ و ۳۱

سرانگشت تدبیر

چندی پیش لوله‌های آب منزل ما پوسیده بود و از آب، استخری ساخته بود. با چند نفر از دوستان می‌خواستیم یک تکه راه را که با سیمان محکم شده بود بشکافیم. کلنگی آوردند. در ضربه اول دسته‌اش شکست.

در فاصله‌ای که برای دسته‌کردن لازم بود، دوستانم که قوی و نیرومند هم بودند مدت‌ها با تیشه‌ای سبک، با چوب، با دست، به سیمان‌ها ور می‌رفتند؛ اما سیمان‌ها به روی خود نمی‌آوردند و تکان نمی‌خوردند و حتی تیشه را شکستند. تا اینکه کلنگ با دسته‌اش آمد و با چند ضربه، کار یک‌ساعت آنها انجام شد.

من از این صحنه به این فکر افتادم که هنگام ضربه‌زدن‌ها باید وسیله، وزنه‌ای باشد و مهم‌تر همراه دسته‌ای و مهم‌تر بر جای مناسب و سر بزنگاهی و آن هم با دست کارگر آگاهی؛ وگرنه ضربه‌ها وقت را می‌کشند و کلنگ‌ها شست پایت را می‌برند و سرت را می‌شکنند... این است که روحیه‌های مغرور را باید ضربه زد؛ اما این ضربه باید از کسی باشد که وزنه‌ای باشد و دسته‌ای و بینشی که سر بزنگاه را بشناسد.

علی صفایی حائری، مسئولیت و سازندگی، ج ۲، صص ۲۳۴ تا ۲۳۵

ما آرزو داریم روزی برسد که با مردم آمریکا زیر یک سقف عبادت کنیم

درسی که واقعه عاشورا و کربلا به ما می‌دهد این است؛ ای انسان، اگر در عاشورا حق و باطل را شناختی، به خودت رجوع کن و حسین خودت را بشناس و از او تبعیت کن. حسین تو حق‌گویی و درستکاری توست. حسین تو نور و عقل توست. درسی که عاشورا به ما می‌دهد این است که یزید درون خود را بشناسیم و یزید بیرون عصر خود را هم شناسایی کنیم. اگر امثال بوش (رئیس جمهور آمریکا) کار یزید را می‌کنند، ما آنچه بر یزید آماده کرده‌ایم، از او دریغ نکنیم. کسانی که مرگ بر یزید می‌گویند، امروز مرگ بر آمریکا هم می‌گویند. منظور از مرگ بر آمریکا هم رژیم آمریکا است، نه مردم آمریکا. ما آرزو داریم روزی برسد که با مردم آمریکا زیر یک سقف عبادت کنیم و آن روز دور نخواهد بود.

کتاب آیینہ تمام‌نما، آیت‌الله حائری شیرازی، فصل ۲، ص ۶۵

انتظار فرج و انواع انتظار

امام صادق علیه السلام فرمود:
هرکس دوست دارد از یاران
حضرت قائم علیه السلام باشد، باید
منتظر باشد و در حال انتظار به
پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار
کند.

غیبت نعمانی، باب ۱۱، ح ۱۶، ص ۲۰۷

ای منجی دل‌های خزان دیده کجایی
کی می‌رسد آن جمعه موعود بیایی

ای نبض زمان ذکر دعای فرج تو
ما فوق مکان در نظر اهل ولایی

کنزُ الفقرایی و همانند نداری
تو رحمت موصوله احسان خدایی

عیب از دل ما نیست گرفتار تو هستیم
عیب است کریمان که برانند گدایی

ای زائر تنهای سحرهای مدینه
دلسوخته از روضه ام النجبابی

باید که تقاص دم مظلوم بگیری
چون منتقم خون امام الشهدایی

یک جمعه بیایی همه باشیم کنارت
گر میل کنی یا که اراده بنمایی

احسان محسنی‌فر



امید و آرزوی تحقق نوید کلی جهانی انسانی، در زبان روایات اسلامی «انتظار فرج» خوانده شده و عبادت، بلکه افضل عبادات شمرده می‌شود. اصل «انتظار فرج» از یک اصل کلی اسلامی و قرآنی دیگر استنتاج می‌شود و آن اصل «حرمت یأس از روح‌الله» است. مردم مؤمن به عنایات الهی، هرگز و در هیچ شرایطی امید خویش را از دست نمی‌دهند و تسلیم یأس و ناامیدی و بیهوده‌گرایی نمی‌گردند. چیزی که هست این «انتظار فرج» و این «عدم یأس از روح‌الله» در مورد یک عنایت عمومی و بشری است نه شخصی یا گروهی. و به علاوه توأم است با نویدهای خاص و مشخص که به آن قطعیت داده است. انتظار فرج و آرزو و امید و دل‌بستن به آینده دو گونه است؛ انتظاری که سازنده و نگهدارنده است، تهدآور است، نیروآفرین و تحرک‌بخش است، به گونه‌ای است که می‌تواند نوعی عبادت و حق‌پرستی شمرده شود، و انتظاری که گناه است، ویرانگر است، اسارت‌بخش است، فلج‌کننده است و نوعی اباحی‌گری باید محسوب گردد.

برداشت قشری مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود علیه السلام این است که صرفاً ماهیت انفجاری دارد، فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلم‌ها و تبعیض‌ها و اختناق‌ها و حق‌کشی‌ها و تباهی‌ها ناشی می‌شود؛ نوعی سامان‌یافتن است که معلول پریشان‌شدن است. آنگاه که صلاح به نقطه صفر برسد، حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل یک‌ه‌تاز میدان می‌گردد، جز نیروی باطل نیرویی حکومت نکند، فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می‌دهد و دست غیب برای نجات حقیقت - نه اهل حقیقت، زیرا حقیقت طرفداری ندارد - از آستین برون می‌آید. علی‌هذا هر اصلاحی محکوم است، زیرا هر اصلاح یک نقطه روشن است؛ تا در صحنه اجتماع نقطه روشنی هست دست غیب ظاهر نمی‌شود. پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است. این نوع برداشت از ظهور و قیام مهدی موعود علیه السلام و این نوع انتظار فرج که منجر به نوعی تعطیل در حدود و مقررات اسلامی می‌شود و نوعی «اباحی‌گری» باید شمرده شود، به هیچ‌وجه با موازین اسلامی و قرآنی وفق نمی‌دهد.

اما از آیات متعدد قرآن استفاده می‌شود که ظهور مهدی موعود حلقه‌ای است از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود.
منبع: مهدویت، شهید مرتضی مطهری، چکیده صفحات ۱۷۵ تا ۱۹۸

چرا تا سفیانی نیاید، امام زمان علیه السلام ظهور نمی‌فرمایند؟

اینکه می‌گویند تا سفیانی نیاید امام زمان علیه السلام ظهور نمی‌فرمایند، به دلیل این است که اهل ظلم و فساد کاملاً در عالم معرفی شوند! در خبائث معاویه و یزید تفاوتی نیست؛ اما معاویه ظاهر را رعایت می‌کرد. بسیاری هم فکر می‌کردند که او برای عزت اسلام کار و خدمت می‌کند. اما یزید بی‌باک بود، به حرف‌های پشت سرش هم کار نداشت. میمون‌باز بود. شرب خمر علنی می‌کرد. این باعث شد خیلی‌ها بیدار شوند. سفیانی از یزید واضح‌تر کار می‌کند؛ یعنی فساد و خبائثتش روشن‌تر است. این باعث می‌شود مردم عالم خبائث اهل ظلم را بهتر بفهمند و تشنه امام زمان‌شان شوند.

آیت الله حائری شیرازی حکومت جهانی خدا، ص ۱۴۷

تفقیفات ویژه ی پاشنی را از دست ندهید!



محصولات خریزری پاشنی
سالم، تازه و خانگی!



شماره تماس: ۵۵۳۹۰۱۲۰

ارسال درب منزل شما

اوشه

سردبیر: سرکار خانم زهرابادی
دبیر: تحریریه: فخری مرجانی
واحد پژوهش مجتمع فرهنگی_علمی شهدا
بهای هر شماره:

ذکر صلوات نثار ارواح طیبه شهدا و امام خمینی (ره)

راه های ارتباطی با مجتمع فرهنگی_علمی شهدا

پایگاه اینترنتی: www.osveh.org

سایت انگلیسی: www.toplife4you.com

درگاه الکترونیکی: <http://www.osveh.org>

کانال تلگرام: [osveh_org](https://t.me/osveh_org)

آدرس اینستاگرام موسسه اسوه: [osveh_org](https://www.instagram.com/osveh_org)

آدرس صفحه اینستاگرام چاشنی زودپز: [chashni_zoodpaz](https://www.instagram.com/chashni_zoodpaz)

نشانی: تهران - خیابان کارگر جنوبی - پایین تراز چهارراه لشگر

روبروی دانشگاه پردیس علامه طباطبائی - کوچه شهید علی غیاثوند

قیصری - بن بست آریا - پلاک ۶

شماره تماس: ۰۲۱-۵۵۴۸۲۰۲۵